

# کودتایا سرکوب نیروهای انقلابی؟

## نگاهی ازورای رویدادها

حاکمه باشد . هربخش از هیئت حاکمه برآن بود که کرایشویا حتی ابزار اجرایی خویش را در درون نیروهای انتظامی ایجاد کند . اداره سیاسی و آیدتولوژیک در درون قوای انتظامی وارتن کننده در حقیقت همان رکن دوسابق است ، جناح بندیهای داخل سپاه پاسداران ، ترکیب شورای عالی دفاع ، وزارت دفاع وستاد مشترک همگی موبداین نظریه است که تنفا منافع بخشهای مختلف هیئت حاکمه حتی در قوای انتظامی کشور نیز بشسدت مشاهده میشود . اما آنچه که ارتش ودبکر قوا را از نهادهای دیگر دولتی ، علمی - الخصوص در یک دولت بورژوازی ، متمایز میکند همان لزوم وجود " انضاط " و " اراده آهنین " است . هم چیز برای یک دولت بورژوازی شکننده ترا از این نیست که ارتش آن " منضبط " ، " یکپارچه " و " گوش بفرمان " فرمانده کل قوا نباشد . قوای انتظامی بمتابسه ستون فقرات دولت سرکوبگر بیش از هر نهاد دیگر احتیاج به وحدت واراده عمل دارد . اما ارتش ونیروهای انتظامی در شکل فعلی بخاطر وجود جناح بندیهای درونی وحتی مهمتر از آن بعلت وجود مبارزه ی بلا انقطاع سیاسی در سطح جامعه که انعکاس خود را در درون نیروهای انتظامی نیز باز میابد ، ابزار سرکوب کارآمدی برای دولت جمهوری اسلامی نیست . در حقیقت کارنامه دولت بورژوازی ایران در بازسازی نیروهای انتظامی چندان درخشان نیست . شاید بهترین وگویا - ترین تجربه ومثال زنده در این مورد جنگ اخیر کردستان باشد . جنگی خونین که عملا ضعف هیئت حاکمه را در سرکوب جنبش ملی وانقلابی مردم کردستان

... نشان از نطفه های خونینی میدهد که از هم اکنون در حال شکل گرفتن است . آنچه مسلم است اینست که ایستوران وانقلاب ایران آستان حوادث خونینسی است .

\*\*\*\*\*

اکنون یکسال واندی از عمر حکومت جمهوری اسلامی میگذرد ، حکومتی که از ائتلاف بورژوازی " لیبرال " ، خرده بورژوازی سنتی وهمگامی بخشی از ارتش و باتوافق ضمنی امریکابه قدرت رسید . امروز بعیان روشن گردیده است که نقطه تلاقی منافع " رهبری " وامیر - یالیسم جهانی یابه عبارت ساده تر طرح هویزر - بهشتی حفظ دولت سرمایه داری و ارتش سرکوبگر آن بوده است . طرحی که نه قادر بودونه توانست هجوم مردم به یادگانهای ارتش و خلع سلاح بخش عمده ای از ارتش را پیش بینی کند . این طرح بناچار در روزهای بعد از قیام بیه شکل دیگری به اجرا گذارده شد . طرح نوینی که هدف از آن تطهیر ارتش وکوشش همه جانبه در راه بازسازی آن بود . مبالغه نیست اگر بگوئیم که ترمیم و تقویت قوای انتظامی ، که حال دیگر کمیته ها وسپاه پاسداران وحتی چماق بدستان حزب اللهی نیز بدان اضافه شده بودند ، در راه برنامه های دولت جمهوری اسلامی قرارداد است . جناحهای مختلف هیئت حاکمه ، علیرغم تمامی اختلافاتشان در زمینه های دیگر ، در یک امر متفق القول بوده وهستند و آن احیای وبازسازی ارگانهای سرکوب است . اما همین بازسازی ارتش ونیروهای انتظامی نمیتوانست جدا از گروه بندیهای هیئت

همه جا صحبت از احتمال وقوع یک کودتای نظامی است . ژنرال جانسی اویسی از وجود شبکه های نظامی در ایران وعراق بصراحت سخن میگوید . دولت امریکابه کلیه اتباعتش در ایران دستور داده است که تا ۱۵ روزا ایران را ترک نکنند . خبرگزاری پارس از سوی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی اطلاعیه ای صادر مینماید مبنی بر اینکه کودتای موعود اویسی را خنثی کرده است . این خبر مهم البته جز در روی دستگاه تلکس خبر - گزاری پارس در هیچ جای دیگری منتشر نمیشود . بهشتی وبنی صدر از وجود توطئه کودتای نظامی خبر میدهند وهیچ یک احتمال چنین واقعه ای را نفی نمیکنند . مجاهدین انقلاب اسلامی با چاپ اعلامیه ای دورنگ مردم مسلمان را از خواب گران غفلت بیدار میکنند وایضا از احتمال وقوع یک کودتای خونین خبر میدهند . خبریاشایعه کودتا بقدری قوت میگیرد که حتی " امام امت " ناچار به تسکین مردم وردامکان وقوع یک کودتای نظامی میگردد . " آشوب " ، " جنگ داخلی " " کودتای نظامی " ، " اشغال جنسوب ایران " وحتی " تقسیم ایران " از جمله حوادثی است که بسیاری انتظار وقوع آنرا در آینده نزدیک دارند . اما آنچه که به عنوان " حدس " و " گمان " و " خبر " و " شایعه " ایران را فرا گرفته است بیش از آنکه ساخته و پرداخته ذهن عده ای شایعه پرداز باشد ، عمیقاً از وضع سیاسی واجتماعی روز ایران نشاءت میگیرد وضع اجتماعی بی ثبات که نوعی تغییر در فضای سیاسی کشور را ایجاد میکند . حوادثی که روزانه در کشور اتفاق میافتد ، مانند کردستان ، دانشگاهها ، مطبوعات

نشان داد . ارتش و سپاه پاسداران با تمامی تجهیزات در یک جنگ رودر رو و منظم با نیروهای پیشمرک قرار گرفته و ضربات سنگینی متحمل کردندند . این تجربه به امیرالیم و بورژوازی نشان داد که ارتش تازمانی که تحت فرماندهی سیاسی اینچنین دولتمردان بیگفایتی باشد قدرت انجام وظایف محوله بندگان را نخواهد داشت . عدم موفقیت دولت جمهوری اسلامی در ترمیم کامل ارتش و دیگر قوای انتظامی و یا آنچه که خمینی و بنی صدر ایجاد " امنیت " می نامند ، باعث آن گردیده است که نه تنها بورژوازی ایران فشار مستقیم و غیر مستقیم خویش را بر پایه احیای مجدد قوای انتظامی افزایش دهد ، بلکه امیرالیم جهانی نیز از امر حرکتی که باعث تقویت ارتش و ورود آن به جرگه سیاست شود پشتیبانی کند . در حقیقت شرط اساسی موفقیت طرح هوپزر - بهشتی بازسازی مجدد ارتش و ایجاد ابزار و وسائل کافی برای تامین منافع حیاتی سرمایه داری و امیرالیم در ایران است . عدم موفقیت جمهوری اسلامی در یکا راندن متحد دستگا ههای سرکوب ، راه را برای ورود ارتش به " سیاست " بعنوان یک نیروی مستقل باز می کند . بعبارت دیگر با آشکار تر شدن این مسئله که " دولت " احتمالاً نمیتواند ارتش را نجات دهد ، این فکر تقویت میشود که بنا بر این ، این ارتش است که باید به کمک ولینعمت خویش شتافته و " میهن " را نجات دهد . حرکات چند ماه گذشته و کوشش در جهت حل تناقضات درونی نیروهای سرکوب به نفع جناح بورژواژی هیئت حاکمه ، نشان میدهد که ارتش تدریجاً خود را برای ورود به صحنه سیاست آماده مینماید و بعنوان ستون فقرات این نظام خود را در معرکه های مختلف میآزماید .

## نیروی سوم

وجود کشمکشهای پلانیقطاعی با چها مختلف هیئت حاکمه و عدم توانائی آنها در دستیابی به قدرت کامل و همچنین عدم ایجاد تبدیل دیگری از جانب چپ در این لحظات حساس ، شرایط را برای حضور نیروی دیگری ، نیروی سوم ، نیرویی که بتواند جامعه را از تنگناها

و معضلات فعلی "رها" نماید آماده میسازد . پیش بینی اینکه ارتش به چه صورتی بتواند خویش را جایگزین هیئست حاکمه فعلی نماید مشکل است ، اما کودتا یا زاه حل سوم تنها و تنها در صورتی میتواند در جامعه ای ماننسد ایران - جامعه ای که هم ارتش و هم انقلاب را تجربه کرده است - با موفقیت همراه باشد که سیل ناراضیان غیر فعال و اکثریت خاموش روبه ازدیاد باشد . بیگفایتی بیش از انتظار " رهبران " و " دولتمردان " ، بی برنامه گی و بی تجربگی نیروهای مترقی و انقلابی در بسیج و سازماندهی مردم ، بخش وسیعی از لایه های خرده بورژوازی نیمه مرفه و مرفه را از هم اکنون به جبهه خاموش و مایوس از مبارزه سیاسی کشانده است . بخشی که میتواند در شرایط معین و یا حداقل بانی تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی ، نظاره گر راه حل سوم ، کودتای نظامی باشد .

به عبارت دیگر اگر نه تمامی ولی تعداد زیادی از شرایط موفقیت یک کودتا در جامعه وجود دارد . شرایط داخلی - لاینحل ماندن معضلات و مشکلات اجتماعی - و شرایط جهانی - لاینحل ماندن مسئله گروگانها - توطئه های امیرالیم از طریق ایادی خود در ایران یا اقداماتی مانند تحریم اقتصادی سایر شرکدها ، شرایط وقوع تحولاتی که جامعه را از " بلاتکلیفی " نجات دهد کم و بیش آماده کرده است . اما چنین کودتائی با آنکه شرایط اجتماعی تحققش کمابیش وجود دارد با موانع متعددی نیز روبروست . یکی از این موانع وجود شخص خمینی در راس هیئت حاکمه است . آیت الله خمینی از یک سو بعنوان " رهبر " و " امام " ما فوق تناقضات درونی و جناحهای حاکم قرار داشته و بعنوان ملجائی برای التیام بخشیدن به جراحات حاصله از منازعات دو جناح عمل میکند . و از سوی دیگر مظهر و سمبل این تضاد است . با این وجود تازمانی که او بمثابة رهبر مافوق جناحیندیها وجود دارد هیچکدام از جناحهای مؤتلف قدرت تجاوز از محدوده خاص خویش را ندارد . این جناحها نمیتوانند بهستان کنند ، میتوانند علیه یکدیگر توطئه نمایند ، اما

هیچکدام از این دسته بندیها نمیتواند تا حدنا بودی یک جناح به نفع جناح دیگر پیش رود . از سوی دیگر اعتقاد و ایمان مردم نسبت به خمینی با آنکه در قیاس با گذشته بسیار تضعیف گردید اما هنوز در آن حد نیست که خواهد یا بتواند چکمه را بر نعلین ترجیح دهد . از جانب دیگر ارتش نیز قدرت آنرا ندارد که بدون اجازه خمینی دست به اقدامی زند . فرمانده کل قوا نیز نمیتواند بدون مشورت با " رهبر " فکر توسعه قلمروی خویش را نماید ، و مانند بهشتی - خامنه ای نیز نخواهند توانست بدون صلاح دید خمینی " انقلاب سوم " را راه بیاندارند . تا خمینی در قید حیانت است احتمال چنین حرکتی از جانب هریک از جناحها بمثابة خودکشی سیاسی خواهد بود . فاکتورهای فرعی دیگری نیز مانند فقدان سنت " کودتا " در ارتش مانند آنچه که در برخی از کشورهای تحت سلطه دیده میشود ( شیلی ، بولیوی آرژانتین و ... ) و عدم انسجام درونی ارتش یا حتی وجود جناحی قوی در درون آن ، صلح بودن تعداد زیادی از مردم و غیره ... بی شک در عدم امکان پیروزی کودتا از درون ارتش نقش دارند .

احتمال وقوع کودتائی از جانب او بی و همپالگی هایش نیز بعید بنظر میرسد چنین کودتائی از آنجا که نمیتواند تحت نام " امام " ، " اسلام " ، جمهوری " و ... انجام گیرد نه قدرتی نه امکان جذب نیرو از میان رده های پائین ارتش دارد و نه در حال حاضر در میان مردم ( بغیر از مثنی سلطنت طلب ) هواداران وسیعی دارد . چنین کودتائی با توجه به حساسیت و تنفر مردم از سلطنت و سلطنت طلبان در صورت وقوع از همان ابتدا محکوم به شکست است . درهم شکستن چنین کودتائی حتی احتیاج به " فرشتگان آسمانی " ندارد ، فرشتگان روی زمین ، یعنی همین مردم آنرا درهم خواهند شکست .

\*\*\*\*\*

اما اگر بخواهیم از ورای رویدادها ، اخبار و شایعات ، به حوادث بنگریم براحتی میتوانیم دریابیم که آنچه در پیش است ، نه یک کودتای نظامی علیه امام و یا با امام علیه بهشتی و یا باز با

امام علیه بنی صدر، بلکه مهمتر از آن کار افتادن وسیعتر تیغ کند جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی است. سرکوبی وسیعی که نتنها دست دولتیان، آخوندها و ارتش بلکه دست سیا و آمریکا نیز در آن مشهود است. در مورد همکاری و همکاری سیا در سرکوب نیروهای کمونیست اشاره به اطلاعاتی که بدست ما رسیده است خالی از فایده نیست. چند هفته قبل هوا - پیمائی حامل ما مورین برجسته، سیاکه در یکی از مراکز اختصاص یافته به بحران ایران در ترکیه مستقر میباشند به ایران آمده و دو ساعت با آیت الله بهشتی به مذاکره نشسته اند. در میان سرنشینان این هواپیما ژنرالی بنام مستعار قرلباش که کوبا یا پاکستانی الاصل بوده و مدتها از طرف سیا در زمان شاه در ایران ما موریت داشته و فارسی را نیز براحتی تکلم میکند وجود داشته است. علاوه بر این مورد بسیاری از جاسوسان دیگر امریکایی با کدرنامه های جعلی و حتی با هواپیما های نیروی هوایی آمریکا به ایران آمده اند. علاوه بر این اطلاعات رکن دوم ارتش و یا آنطور که این روزها آنرا مینامند دانه سیاسی و ایدئولوژیک نیروهای سه گانه از کلیه متخصصین با سابقه ارتش که سابقاً "در بخش ضد تروریستی ارتش فعالیت مینمودند دعوت به همکاری با کمیته مشترک کرده است. همچنین مدتی است که جهانگیری عضو با سابقه ساواک، معاون ساواک منحل در گنبد، همکار ما شالله قصاب در کمیته مستقر در سفارت آمریکا و شخصی که نقش تعیین کننده در

دستگیری محمد رضا ساداتی داشته به معاونت چمران در ساواک منصوب گردیده است. و این همه گوشه های از توطئه های جدید برای سرکوب نیروهای انقلابی است. چنین سرکوبی بهر حال موفق به نابودی کل جنبش چپ نخواهد شد. چپ ایران امروز علیرغم تمام تشتت ها و سردرگمی هایش یک واقعیت اجتماعی است و واقعیت اجتماعی را با توپ و تشره حتی سرنیزه نمیتوان از میدان خارج کرد. حداکثر کوشش رژیم و حامیانش در این مرحله تضعیف چپ، از بین بردن مزاحمین سیاسی، جریانات رزمنده تر و کادرهای ورزیده آن و... خلاصه منزوی کردن بخشی از نیروهای مترقی و احتمالاً سازش با بخش دیگر میباشد. ارتش و احتمالاً سازش با بخش دیگر کرده است، در حوادث دانشگاه این روش را تجربه کرده است، ابتدا مجاهدین را با نوعی سازش سایه کرده و راه را برای گسترش مبارزه در سی و یا آنطور که خود میگویند مصالحه، از آینده فراهم تر نمود. بیاد داشته باشیم میدان خارج کرد و سپس دیگر نیروها را به که کردستان سراپا مسلح است و در مقابل مبارزه طلبید و در این میان با همه ی نیروها هجوم وحشانه دولت ارتجاعی جمهوری یکسان برخورد نکرد. به یکی اجازه بحسب اسلامی بایدار می کند. بیاد داشته باشیم آزاد تلویزیونی داد و دیگری را بدست فراموشی سپرد. رژیم مجرب تر از آن گشته است که بخواهد یکباره و صرفاً با حربه نازیانه عصیان اجتماعی چپ را به آرامش بکشد. تجربه رژیم در کردستان نیز موید همین نظریه است. درست است که رژیم به انقلاب کردستان حمله ور میشود اما آنچه هدف اصلی این حمله و استراتژی سرکوب رژیم قرار می گیرد نه تمامی جنبش کردستان، که بهر رو در لحظه نیز نابود ناشدنی است، بلکه تضعیف بخش سازش ناپذیر آن و احتمالاً سازش با بخش "معقول" تر آرا به های ارتجاع میاندازد و باز برای مدتی حاکمیت ارتجاع را در این کشور استوار خواهد ساخت.

اما رژیم جمهوری اسلامی حتی در امر سرکوب نیز بیکسری نخواهد بود. سرکوب احتیاج به ابزار و وسایل خاص خویش دارد و رژیم علیرغم بهره جوشی از تمامی تجارب رژیم گذشته هنوز تجربه کافی و سازماندهی وسیع پلیسی را در اختیار ندارد. عدم وجود چنین نیروی منظم پلیسی و ابزار سرکوب در شرایطی که اوضاع اجتماعی وجود رژیم فعلی را برای مدت طولانی پذیرا نیست، حتی میتواند برنامه تهاجم و سرکوب آینده رژیم را تبدیل به جریان علیه منافع خود رژیم بنماید. با اتخاذ تاکتیک های مناسب که محور اساسی آن تشدید حرکت سیاسی در میان توده ها و همکاری و همکاری نیروهای چپ در سرتاسر ایران در حوادث دانشگاه این روش را تجربه کرده است، ابتدا مجاهدین را با نوعی سازش سایه کرده و راه را برای گسترش مبارزه در سی و یا آنطور که خود میگویند مصالحه، از آینده فراهم تر نمود. بیاد داشته باشیم میدان خارج کرد و سپس دیگر نیروها را به که کردستان سراپا مسلح است و در مقابل مبارزه طلبید و در این میان با همه ی نیروها هجوم وحشانه دولت ارتجاعی جمهوری یکسان برخورد نکرد. به یکی اجازه بحسب اسلامی بایدار می کند. بیاد داشته باشیم آزاد تلویزیونی داد و دیگری را بدست فراموشی سپرد. رژیم مجرب تر از آن گشته است که بخواهد یکباره و صرفاً با حربه نازیانه عصیان اجتماعی چپ را به آرامش بکشد. تجربه رژیم در کردستان نیز موید همین نظریه است. درست است که رژیم به انقلاب کردستان حمله ور میشود اما آنچه هدف اصلی این حمله و استراتژی سرکوب رژیم قرار می گیرد نه تمامی جنبش کردستان، که بهر رو در لحظه نیز نابود ناشدنی است، بلکه تضعیف بخش سازش ناپذیر آن و احتمالاً سازش با بخش "معقول" تر آرا به های ارتجاع میاندازد و باز برای مدتی حاکمیت ارتجاع را در این کشور استوار خواهد ساخت.



**رفقای هوادار ، هموطنان مبارز!**  
 حمایت های مالی شما ، سازمان را در پیشبرد هدف های مبارزاتی و بویژه در زمینه توسعه ی فعالیت های مختلف ، یاری خواهد داد . در این راه هرچقدر که میتوانید بهر وسیله ی کمک های مالی خود را به سازمان برسانید .

هفته نامه  
**رهائی**  
 نشریه سازمان وحدت کمونیستی